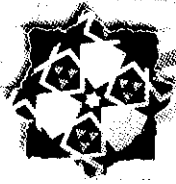


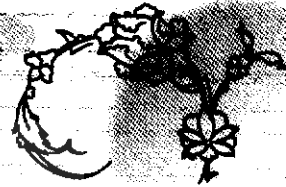
# ماه رمضان



## مسئولیت مبلغان



محمود مهدی پور



باطل، در آن نازل شده است.»  
برجسته‌ترین ویژگی این ماه از دیدگاه الهی نزول قرآن در آن و نقش هدایت‌گرانه آن برای جامعه بشری است.

**نیاز انسان به هدایت الهی**  
هدایت جامعه بشری، جریانی است که همزمان با خلقت انسان و جهان به فرمان الهی آغاز شده است. همانگونه که خلقت کار خداست و دیگران همه مخلوق و آفریده اویند، هدایت هم کار خداست و همه نیازمند

ماه رمضان، یکی از بهترین فرصت‌ها برای هدایت انسان‌هاست. سفره پر نعمت و بی‌دریغ الهی در این ماه در برابر انسان گشوده شده است. آخرین و کامل‌ترین اساسنامه زندگی بشری و بهترین متن تربیتی تاریخ پیامبران (قرآن کریم) در این ماه فرود آمده است. رمضان تنها ماهی است که خداوند نام آن را به صراحت در قرآن آورده و می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ \* هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»؛ «ماه رمضان ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و

معارف آسمانی، اخلاق الهی، و نظام اجتماعی برخاسته از وحی و قوانین و احکام الهی هستند.

خداوند یگانه خالق عالم و آدم و تنها هادی انسان و جهان است.

خلقت و هدایت دو جوئیبار پرفیض الهی است که از سرچشمه رحمت و حکمت پروردگار می جوشد و هیچکدام بدون دیگری کامل نیست.

از یک سو در سوره واقعه می خوانیم: ﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «ما شما را آفریدیم، پس چرا تصدیق نمی کنید؟» و از سوی دیگر خداوند متعال امکانات دستیابی به هدف عالی آفرینش را در اختیار انسان قرار داده و در سوره «انسان» فرموده است: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرٌ أَوْ إِنَّا نَكْفُرٌ﴾<sup>۲</sup>؛ «ما به او راه نشان دادیم، حال یا شاکر است [و از نعمت‌ها درست بهره می‌گیرد] یا کفور [و ناسپاس] است.»

البته هدایت پذیری کاری کاملاً اختیاری و آزادانه است و تا انسان شرائط مطلوب را در خود پدید

نیارد، امکان بهره‌گیری از جوئیبار هدایت وجود ندارد و حتی پیامبر گرامی ﷺ هم نمی‌تواند فردی را که خود نمی‌خواهد هدایت کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۳</sup>؛ «آیا تو ناشنویان را می‌شنوایی و کوران را راه می‌نمایی و به کسی که در گمراهی آشکار است راه نشان می‌دهی؟»

در مقایسه بین دو جریان «خلقت» و «هدایت»، هدایت از ارزشی فراتر و عالیتر برخوردار است. خلقت پدیده‌ای غیر اختیاری است که انسان در پیدایش خود و دیگران هیچ قدرت انتخاب و اختیاری ندارد. خلقت زمین و زمان، انسان‌های کنونی و تاریخی، گذشتگان و آیندگان، افراد و گروه‌ها، آفرینش گیاهان و جانوران، آنچه می‌شناسیم و نمی‌شناسیم، همه و همه به دست خداست: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُودُ مِذْمِكُمْ

۱- واقعه/۵۷.

۲- انسان/۳.

۳- زخرف/۴۰.

## مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان و محدود کردن ولایت فقیه تحت هر شعار و عنوانی که مطرح شود، تلاشی بسوی دین‌زدایی و مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی است.

چرا برخی افراد هدایت نمی‌شوند؟  
ارزش و اهمیت هدایتگری در  
حدی است که «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» قبل از  
«خَلَقَ الْإِنْسَانَ» یادآوری می‌شود و  
«خلقت» انسان مولود «کَرَم» الهی و  
«آموزش» انسان نتیجه «اکرم بودن»  
خدا معرفی می‌گردد: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

وَتَأْتِي بِخَلْقٍ جَدِيدٍ»<sup>۱</sup>؛ «آیا ندیدی که  
خداوند آسمان و زمین را به حق آفرید،  
اگر بخواهد شما را می‌برد و خلقی  
نوین می‌آورد.»

ولی «هدایت» فرایندی است که  
در پیدایش و تداوم آن خود انسان نقش  
دارد. هدایتگری کار خداست، ولی  
هدایت شدن و گمراه شدن با اختیار و  
انتخاب انسان پیوند دارد.

در سوره یونس می‌خوانیم: «قَدْ  
جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا  
يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا  
أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ»<sup>۲</sup> «براستی حق از سوی  
پروردگارتان فرود آمد. هر کس  
هدایت شد بسود خویش و هر کس  
گمراه گردید به زیان خود اوست و من  
بر شما وکیل نیستم.»

هادیان الهی، وظیفه دارند با  
استقامت در دعوت و بلاغ مبین و  
نهایت کوشش و تدبیر و تحمل  
مشکلات، راه را از بیراهه مشخص  
کنند و زمینه و بستر هدایت را برای  
همه فراهم آورند، ولی هدایت‌پذیری  
شرائط دیگری دارد که در این موضوع  
هم باید به سراغ قرآن رفت و پرسید،

۱-ابراهیم/۱۹.

۲-یونس/۱۰۸.

\* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿۱﴾

اگر در اندیشه دینی ما، پدر فکری، فرهنگی از والدین نسبی و جسمانی مهمتر شناخته می‌شود و انبیاء و اولیاء الهی حقی فراتر از والدین بر انسان دارند، و اگر اضلال و گمراهگری مردم گناهی بزرگتر از قتل عام آنان محسوب می‌شود، همه و همه، شاهد جایگاه والای هدایت و قامت زیبای تربیت الهی است.

در فرهنگ اسلامی، احیای فرهنگی با احیای فیزیولوژیک و احیای اقتصادی، قابل مقایسه نیست و میدان دادن و حمایت کردن از رسانه‌ها و مطبوعات گمراهگر جنایتی بزرگتر از قتل عام و کشتارهای وحشیانه انسان‌ها است. امروزه اضلال و گمراهگری جامعه نسبت به معارف قرآن و حدیث و فرهنگ پیامبران و بایدها و نبایدهای تاریخ انبیاء کاری است که در مطبوعات غرب سالار و مردم شعار هنوز هم ادامه دارد و مبلغان گرامی و عالمان دین باید سال‌ها تلاش کنند، تا بیماران امواج مسموم رسانه‌ای و مجروحان بمباران شیمیایی

فرهنگی سال‌های پس از جنگ را درمان کنند و انفاس قدسی مسیح ﷺ لازم است که برخی مقتولان تهاجم فرهنگی را زنده کند.

امام صادق ﷺ در تفسیر آیه شریفه: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾<sup>۲</sup> فرموده است: «هر کس شخصی را از گمراهی به سوی هدایت برون آورد، گویی وی را حیات بخشیده و هر کس شخصی را از فکر و اندیشه درست و الهی به گمراهی بکشد، گویا وی را کشته است.»<sup>۳</sup>

#### دموکراسی و پیامبران

آن‌ها که دموکراسی را به جای دین سالاری و خدا سالاری تبلیغ و ترویج می‌کنند، دانسته و یا ندانسته اکثریت جامعه را فهیم‌تر و برحق‌تر از خدا و

۱- علق/۳ و ۴.

۲- مائده/۳۲. «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰.

حق است و منطقی و قابل قبول و اجراء و اقدام، نیازی به پیامبران و تلاش‌های فراوان آنان نبود، زیرا همیشه در جوامع بشری اکثریت و اقلیت وجود داشته و همیشه هم بشر عقل داشته است.

اكتفا به عقل فردی و جمعی در برابر وحی و نبوت، شعاری شرک‌آمیز و خطرناک است. تکیه بر خواست و تشخیص اکثریت و دموکراسی در برابر وحی و قرآن و سنت چیزی نیست که در جوامع مسلمان و دنیای اندیشمندان قابل طرح و دفاع باشد. بهتر است منادیان «مردم سالاری» قید دینی را بیفزایند و گرنه دموکراسی مطلق نه تنها شعاری ضد وحی و نبوت، بلکه ایده‌ای مخالف عقل و آزادی و عدالت است. از دموکراسی هدایت شده و مردم سالاری دینی می‌توان دفاع کرد، ولی دموکراسی مطلق سر از انکار حق و باطل در تکوین و تشریح برمی‌آورد و مردم سالاری مطلق شعاری دقیقاً ضد مردمی و در جهت انکار عقل و آزادی و عدالت راستین است که نه در دنیای

## مبلغان گرامی و عالمان دین باید سال‌ها تلاش کنند، تا بیماران امواج مسموم رسانه‌ای و مجروحان بمباران شیمیایی فرهنگی سال‌های پس از جنگ را درمان کنند

پیامبر و معصومین علیهم‌السلام می‌دانند و بزرگترین خیانت را به فرهنگ و اندیشه روا می‌دارند، و در برابر آیات صریح قرآن موضع گرفته‌اند. حق و باطل و درست و نادرست را هرگز با ترازوی اقلیت و اکثریت و آمار و کمیّت نمی‌توان سنجید و پیامبران خدا روزی که مبعوث می‌شدند، با اکثریت‌های فریب خورده و غافل و ناآگاه مواجه بودند.

اگر تشخیص اکثریت و انتخاب و آراء و رفتار اکثریت در هر شرایطی

تیشه و تبر فرود آورد. اسلامیت مهمترین رکن جمهوری اسلامی است. رسالت عالمان دین و مبلغان، پاسداری از نظام اعتقادی مسلمانان، پاسداری از نظام اجتماعی مسلمین و پاسداری از دستاوردهای پیامبران و سلامت رفتار و اخلاق و اندیشه مسلمانان و هدایت جامعه بشری بسوی فرهنگ قرآن و سنت رهبری اهل بیت نبوی است.

مبلغان گرامی باید مشکلات فرهنگی و امراض روحی و روانی عصر خویش را بشناسد و همچون طبیبی دوار و درمانگاهی سیار به درمان بیماران فکری، فرهنگی و قربانیان نظام تبلیغاتی شیطان و رسانه‌های استکبار برخیزند و با تفسیرهای آمریکایی از اسلام و اندیشه دینی و مروجان فرهنگ غربی و منادیان ارتباط و آشتی و دلالت شناخته و ناشناس صهیونیسم جهانی و آمریکای جنایتکار مبارزه کنند و فریب شعارهای دروغین آزادی،

خرد و اندیشه قابل دفاع است و نه در عینیت جامعه امکان وقوع دارد و شعاری است که برای فریب ساده لوحان مفید است.

عالمان دین و مبلغان گرامی که مسؤول هدایت جامعه بشری و امت اسلام‌اند، باید با تمام توان در فهم سخن خدا و معصومین علیهم‌السلام بکوشند و در ابلاغ آن از هیچ اقلیتی و اکثریتی نهراسند، و برای اجرای آن برنامه‌ریزی کنند. «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛ [پیامبران پیشین] کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است.»

مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان و محدود کردن ولایت فقیه تحت هر شعار و عنوانی که مطرح شود، تلاشی بسوی دین‌زدایی و مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی است. نمی‌توان بر کرسی ریاست «جمهوری اسلامی» تکیه زد و بر پایه اسلامیت این نظام در عمل و گفتار

دموکراسی، پیشرفت و صلح تمدن، و استناداردهای جهانی را نخورند. زیرا در تفسیر نظام رسانه سالار صهیونیسم جهانی و یاران بوش، هرگونه دفاع از اسلام و مسلمانی تروریسم است و هر گونه تهاجم به اسلام و مسلمانان، تلاش برای دموکراسی و صلح و امنیت جهانی.

تبیین حقایق اسلام ناب محمدی و افشای ماهیت آمریکا و نظام استکباری حاکم بر سیاست و اقتصاد و صنعت و فرهنگ دنیای امروز، رسالت عظیم و دشوار عالمان دین و مبلغان راستین اسلام است و بی جهت نیست که امام عسکری علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش از امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین نقل فرموده است:

«فَقَبَّةٌ وَاحِدَةٌ يَنْقَدُ يَتِيمًا مِّنْ آيَاتِنَا  
الْمُنْقَطِعِينَ عَنَّا وَمُشَاهِدِنَا بَتَعْلِيمِ مَا هُوَ  
مُخْتَلَجٌ إِلَيْهِ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ، لِأَنَّ  
الْعَابِدَ هَمُّهُ ذَاتُ نَفْسِهِ فَقَطُّ وَهَذَا هَمُّهُ مَعَ ذَاتِ  
نَفْسِهِ ذَاتُ عِبَادِ اللَّهِ وَإِمَائِهِ لِيُنْقَدَ هُمْ مِنْ يَدِ  
إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتْهُ فَذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ  
أَلْفِ عَابِدٍ وَأَلْفِ عَابِدَةٍ؛<sup>۱</sup>

[وجود] یک دین شناس راستین

که بی پناهی از ایتم ما راکه از [فرهنگ] ما دور افتاده و از مشاهده ما محروم شده است، با آموزش آنچه به آن نیاز دارد نجات دهد [و او را رهایی بخشد] بر شیطان از هزار عابد دشوارتر است. زیرا عابد فقط به فکر [نجات] خویش است و این گونه عالم به [رهایی] خود و دیگر مردان و زنان از بندگان خدا می اندشید. تا آنان را از دست شیطان و نوکرانش رهایی بخشد. بنابراین این نوع عالم دینی از یک میلیون مرد و زنی که اهل عبادت باشند، برتر است.»

\* \* \*

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خاتقاه  
بشکست عهد صحبت اهل طریق را  
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود  
تا اختیار کردی از آن این فریق را  
گفت آن گلیم خویش به درمی برد ز موج  
وین سعی می کند که بگیرد غریق را

